

عبدالامير

ویژه نامه بیست و سومین سال یاد شهید وحدت ملی استاد عبدالعلی مزاری

بخش دوم



روایت اول شخص

«گفتگوها»



## نامش با هوای بهاری درآمیخته بود

گفتگو با محمد ناطقی از یاران استاد شهید

بنیاد اندیشه  
تاسیس ۱۳۹۴

آقای شیخ عبدالعلی مزاری از راه پاکستان وارد مشهد شده است و من دیشب با ایشان یک جا بودم.

مهدوی گفت: آقای مزاری دنیایی از تحلیل و دنیایی از معلومات است و از اوضاع داخل افغانستان و اوضاع پاکستان و رهبران احزاب جهادی خوب خبر دارد و ما با ایشان تا نیمه‌های شب صحبت کردیم و از جریانات دقیق خبر دارد. مهدوی گفت آقای مزاری وقتی گپ می‌زند کلمات مثل "جریانات" و مثل این‌ها را زیاد به کار می‌برد و با لهجه هزارگی هم گپ می‌زند و می‌گوید که بلد تو بگویم و یا عرض کنم و... و من با ایشان گفتم که ما گروه مستضعفین را تشکیل داده‌ایم و یکی از

بنیاد اندیشه: لطف نموده بفرمایید که با شهید مزاری چگونه آشنا شدید و از نظر شما رهبر شهید دارای چه ویژگی‌ها بود؟

محمدناطقی: در بهار ۱۳۵۸ اولین ملاقات و اولین دیدار ما در مدرسه عباسقلیخان مشهد صورت گرفت. یک روز عصر شیخ اصغر مهدوی از سنگتخت و از اعضای رهبری گروه مستضعفین در منزل من واقع در گلشهر آمد و گفت خبر مهمی دارم و گفتم بیا خانه چای بخور و خبر مهمت را بگو. مهدوی گفت چای باشد برای بعد و من چند جایی دیگر کار دارم، اما خبر مهم این است که

شناسم و به آن‌ها ارادت دارم و هدف من از آمدن در مشهد دیدن دوستان است. در قم هم دوستان دیگر گروه بنام نصر را به وجود آورده است و بعد از هر پنج نفر آقایان عرفانی، واعظی، ناطقی شفاهی آیه الله پروانی و آقای حسینی دره صوفی نام گرفت که گروه نصر را تشکیل داده‌اند و بعد استاد مزاری گفت بین گروه شما

”

صحبت ما واقعاً دوستانه بود و استاد مزاری همه ما را می‌شناخت و با شناختی که داشت ما را از خود بیگانه نمی‌دانست و خیلی صمیمی و دوستانه صحبت داشت و من از آن زمان مزاری را در یافتیم و از عشق و علاقه‌شان به انقلاب و آرمان‌های مردم و از منطق و استدلال و شیوه بیان‌شان خوشم آمد.

“

گروه نصر هیچ اختلاف عقیدتی نیست و اگر شود که گروه‌های هم‌خط و هم‌فکر یک جا شوند و بعد گفت شما دوستان را سلام برسانید راجع به یک جا شدن گپ بزنید. البته در مدت یک ساعت و یا بیشتر که باهم صحبت کردیم از احزاب پیشاور هم سوال کردم. استاد تقریباً باهمه‌شان صحبت کرده بود و در باره هر کدام دیدگاه و قضاوت خاصی خود را داشت و از چشم انداز و آینده کودتای هفت ثور صحبت کرد و گفت که کمونیست‌های خلق و پرچم تاب آورده نمی‌توانند و احتمال سقوط‌شان هست؛ اما جنگ افغانستان جنگ دو ابر قدرت است ممکن جریان‌ات و تحولات دیگری پیش بیاید و قضیه کش پیدا کند. صحبت ما واقعاً دوستانه بود و استاد مزاری همه ما را می‌شناخت و با شناختی که داشت ما را از خود بیگانه نمی‌دانست و خیلی صمیمی و دوستانه صحبت داشت و من از آن زمان مزاری را در یافتیم و از عشق و علاقه‌شان به انقلاب و آرمان‌های مردم و از منطق و استدلال و شیوه بیان‌شان خوشم آمد. شخصیت انقلابی دوست داشتنی و پر از عشق و آگاهی و با دیدگاه شفاف و محکم استوار حرف می‌زد و هر چه زمان می‌گذشت میزان دوستی و همکاری ما مضاعف و مضاعف می‌شد.

اعضای رهبری گروه آقای ناطقی است. آقای مزاری علاقه‌مند است که با شما صحبت نماید. آقای مهدوی و من در آن زمان هر که را با عنوان آقا یاد می‌کردیم. کلمه "استاد" بعداً در ادبیات سیاسی و تشکیلاتی ما اضافه شد و اصطلاح نسبتاً متاخر و پس از ختم دهه پنجاه است. به همین دلیل آقای مهدوی با من نمی‌گفت استاد مزاری و می‌گفت آقای مزاری. مهدوی بر عکس روزهای قبل خانه نیامد و چای نخورد و از ملاقات و صحبت با استاد مزاری خیلی سرشار و با نشاط دیده می‌شد. اما قرار ما این شد که فردای آن روز من بروم مدرسه عباسقلیخان و ایشان را ببینم و صبح حوالی ساعت ده صبح رفتم مدرسه عباسقلیخان. من آن زمان یک موتور گازی داشتیم و از جمله طلبه‌هایی که از موتور استفاده می‌کرد، من بودم. ساعت ده صبح وارد مدرسه شدم هوای دل انگیز بهاری و گل‌های معطر درختان و دیدار با مزاری درهم آمیخته و یک نوع نشاط و شادی را در خود احساس می‌کردم. من در زیر سایه درخت زردآلو منتظر ایستاد بودم و سه نفر از حجره ۲۲ بیرون شدند یکی مزاری و دیگری شیخ اصغر مهدوی و سومی هم روحانی بنام محسنی. استاد مزاری با لباس افغانی و یک پتو هم روی شانه داشت و قد کمی کوتاه و ریش انبوه و سیاه و متبسم، خندان طرف من آمد و دندان‌هایش مثل مروارید، گو این که در میان جعبه سیاه، چیده باشد نمایان بود. با هم گرم احوال پرسید و بغل کشی کردیم و مهدوی پس از معرفی گفت حالا با هم دو نفری صحبت نماییم و ما می‌رویم. در کنارهم و در زیر سایه درخت سر سبز بهاری نشستیم و ایشان باز هم جویای احوال دوستان شد. بعد گفت که من تازه از پاکستان آمده‌ام و در داخل کشور و در شمال بودم و در شمال یک شورای جهادی ایجاد شده است. جنگ علیه دولت کمونیست‌ها راه افتاده است. مردم از هر گوشه‌ای قیام کرده‌اند و تا اساسی بیاید اندیشه

جنگ سراسری آغاز شده است. مردم کمونیست‌ها را قبول ندارند و اسلحه گرفته‌اند و جنگ مسلحانه را شروع کرده‌اند. استاد مزاری با دقت و اطلاعات بسیار گسترده از اوضاع داخل کشور صحبت می‌کرد و هر پرسشی که می‌کردم به صورت جزء وار جواب می‌داد و من گفتم که در سال گذشته افغانستان رفته بودم و در کابل در مدرسه آیت الله پروانی بودم و صحبت شما شد و بعد آقای افتخاری از شما زیاد با من صحبت کرده است. استاد گفت آقای افتخاری کجا هست؟ گفتم مشهد است. من دوستانم را معرفی کردم و کمی از گروه مستضعفین و کارهای فرهنگی در عراق صحبت کردم. استاد گفت من همه دوستان را می



❖ بنیاد اندیشه: باتوجه به این که شما سال‌ها در کنار شهید مزاری بودید، یکی از خاطرات خود را در باره شهید مزاری بگویید که نشان دهنده یک بعد از ابعاد شخصیتی استاد شهید مزاری باشد.

❖ محمد ناطقی: در پایان زمستان ۱۳۶۹ استاد مزاری در رأس هیأتی برای ادغام دفاتر احزاب هشتگانه در تهران آمد و با استقبال عظیم مردمی رو برو شد و مردم عموماً تماماً از تشکیل حزب وحدت حمایت کردند و تنها آیت الله محسنی و سید محمد علی جاوید مخالف وحدت بودند و جاوید با این که قسم علم ابو الفضل و قسم به قرآن مجید و مراسم تحلیف را انجام و میثاق وحدت را امضا هم کرده بود اما باز هم مخالف حزب وحدت شد.

استاد مزاری در این سفر همه مراجع قم و مشهد را دیده بود و از جمله مراجع مخالف انقلاب اسلامی را که برخی تندروان ایران آن‌ها را مراجع ضد انقلاب می‌گفتند. استاد مزاری با آیت الله منتظری و

آیت الله شیرازی هم ملاقات داشت. در وزارت خارجه ایران به ایشان اعتراض و انتقاد شد که شما برای وحدت خود تان آمده اید و با مراجع مخالف نظام ما چه کار دارید؟ و این خوبی ندارد. استاد مزاری گفت وحدت متعلق است به مردم و یک تکلیف دینی و شرعی است که متحد شویم و مراجع تقلید باید وحدت را تأیید کنند و این برای ما مهم است و ما کاری به این نداریم که آیت الله منتظری و آیت الله شیرازی و.. با شما مخالف هستند و ربطی به ما ندارد. اما باید بگوییم که مراجع مخالف شما آن قدر اهمیت برای افغانستان قائل هستند که حتی می‌دانند که ما در کجای افغانستان معدن یورانیم داریم؛ اما مجتهد حامی نظام شما مثلاً یکی از آیت الله‌ها آن قدر از مسائل افغانستان پرت و بی‌خبر هستند که ما یک ساعت با حاجی آقا در باره وحدت احزاب شیعی صحبت کردیم و از ایشان خواستیم که وحدت را تأیید کند در آخر به ما می‌گوید: شما افغان‌ها

چرا وحدت نمی‌کنید و گویا ما با ایشان قصه لیلی و مجنون را کرده باشیم.

❖ بنیاد اندیشه: در مورد روزهای دشوار و سخت نظامی و سیاسی که برای شهید مزاری پیش می‌آمد و این که چگونه تصمیم می‌گرفت بگویید؟ در این زمینه اگر خاطره دارید با خوانندگان شریک بفرمایید که شهید مزاری در شرایط دشوار چگونه تصمیم می‌گرفت؟

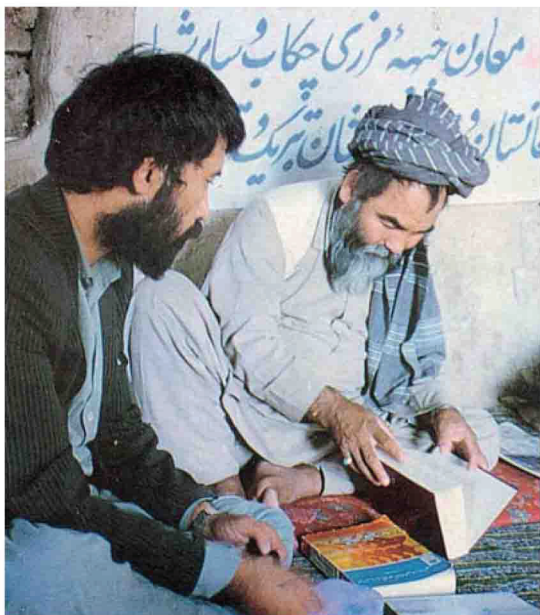
❖ محمد ناطقی: البته در این مورد من حرفی برای گفتن زیاد ندارم چون نظامی نیستم؛ اما همین مقدار می‌دانم که در شرایط دشوار و بی‌نهایت سخت، زی‌زاک نمی‌رفت و فیصله‌های نظامی را تطبیق می‌کرد. مثلاً در کودتای ۲۳ سنبله ۱۳۷۳ پس این که استاد مزاری در انتخابات ۱۳۷۳ برنده تعیینات شد، مخالفان و دشمنان مزاری همراه با دولت استاد ربانی تصمیم گرفتند که علیه حزب وحدت کودتا نمایند و حزب و اقتدار نظامی‌اش را در غرب کابل نابود نمایند مثل که در افشار مقرر حزب را نابود کرد و کوه‌های افشار را فروختند و واقعاً مقر علوم اجتماعی نابود و فاجعه افشار را خلق کردند.

پس از تعیینات سرطان ۱۳۷۳ باز می‌خواستند فاجعه افشار را تکرار نمایند و حزب وحدت را در هم بکوبند و برای این هدف بمب‌گذاری‌های شان را کرده بود و اسناد و مدارک به دست آمد و استاد مزاری قضیه را در شورای مرکزی مطرح می‌کند و شورا هم با ملاحظه اسناد فیصله می‌کند که واقعه پیش از وقوعش جلوگیری شود که موفقانه جلو توطئه و خیانت و جلو تکرار فاجعه از نوع افشار گرفته شد و مراکز توطئه در طی کمتر از ۲۴ ساعت جمع شد فیصله از شورا، اما قاطعیت و اجرای آن از رهبری حزب و از استاد مزاری بود. فاجعه افشار زخم ناسور بود و اگر جریان ۲۳ سنبله دفع نمی‌شد باز فاجعه افشار تجربه و تکرار می‌شد. عاقل که نباید از یک سوراخ دو بار گزیده شود.

❖ بنیاد اندیشه: با توجه به این که شهید مزاری یکی از پیشگامان جهاد است، در باره نقش شهید مزاری در جهاد مردم افغانستان توضیح بدهید؟

❖ محمد ناطقی: استاد مزاری یکی از ستارگان نهضت مقاومت و مبارزه است از سن نوجوانی با علامه سید

استاد مزاری گفت وحدت متعلق است به مردم و یک تکلیف دینی و شرعی است که متحد شویم و مراجع تقلید باید وحدت را تأیید کنند و این برای ما مهم است.



● **محمد ناطقی:** استاد مزاری همیشه در این فکر بود که احزاب پراکنده جمع شود در آن زمان ده‌ها حزب و گروه و سازمان با نام‌های گوناگون ظهور کرده بودند؛ اما عمده‌ترین آن‌ها همان نه تا حزب بود که از آن‌ها با عنوان گروه‌ها و ائتلاف نه‌گانه و اغلباً هشتگانه یاد می‌شد که این ارقام هم دلیل داشت. ما در یک سفر طولانی از کاکری هرات تا هزارجات که تماماً، سی روز شد و در این سفر ترسناک پراز کمین و خطر همراه استاد مزاری به‌خاطر وحدت رفته بودیم و در هزارجات تمام سال‌های ۱۳۶۵ و سال‌های بعد از آن تا سال ۱۳۶۹ برای وحدت تلاش کردیم و استاد مزاری نقش بارز و نقش اول را در ایجاد و تکوین حزب وحدت داشت و سرانجام تلاش‌ها به نتیجه رسید و در ۲۴ سرطان ۱۳۶۹ همه احزاب نه‌گانه متحد شدند و با عنوان حزب وحدت اسلامی اساسنامه، مرامنامه و میثاق وحدت و تشکیلات را رسماً اعلام کردند. در آخر زمستان ۱۳۶۹ استاد مزاری در رأس یک هیأت برای ادغام دفاتر حزب وحدت وارد ایران شد و معاون ایشان در این هیئت شهید صادقی نیلی بود. با تشکیل حزب وحدت به آرزوی بزرگ سیاسی خود دست یافت؛ اما از مخالفت آیت الله محسنی و شرط و شروط شان ناراحت بود و می‌گفت متأسفم که مردم وحدت می‌خواهند؛ اما آقای محسنی شرط می‌گذارد و وحدت را قبول ندارد. و

اسماعیل بلخی آشنا می‌شود و در جوانی مرید علامه می‌شود و بلخی برای استاد مزاری الگو بود. در هنگام تحصیل در حوزه علمیه قم، پرشور درس هایش را می‌خواند و در کنار درس با مبارزان مسلمان رفیق می‌شود و بعد به‌خاطر نقل و انتقال آثار فکری متفکران مسلمان زندان و شکنجه می‌شود. در اولین روزهای پس از کوتای ۷ ثور تلاش می‌کند که جبهات مقاومت علیه دولت کوتا را در شمال کشور سازماندهی نماید و در این کار موفق می‌شود و شورای مقاومت و جهادی را با دیگر مبارزان در شمال کشور به وجود می‌آورند و در خیلی از جنگ‌های چریکی همراه با دیگر مجاهدان سهم می‌گیرد و خودش

می‌گفت که با چریک‌های کوبایی جنگ سختی داشته است و در راه مبارزه پدر و برادرش را از دست می‌دهد و در ایجاد سازمان نصر در بهار ۱۳۵۸ نقش اول و بنیادی داشت و بعدش در تشکیل حزب رنج‌ها و زحمت‌های زیادی کشید و همه به نقش

استاد مزاری و تلاش و فداکاری وی اذعان داشتند و آقای اکبری در تعیینات و کنگره بامیان در سال ۱۳۷۰ گفت که معاونت استاد مزاری برای من احلام العسلی است این همه نقش را استاد مزاری در جهاد در وحدت و یک پارچگی احزاب داشت و هیچ لحظه‌ای از عمرش را هدر نداده است و حالا همه در باره نقش استاد مزاری فکر می‌کنند و همه سعی دارند که خود را به مقام وی نزدیک و نزدیکتر نمایند و این افتخار بزرگی برای رهبر شهید پس از شهادت است.

● **بنیاد اندیشه:** تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان نقطه عطفی در تاریخ سیاسی مردم ما است، در مورد اهمیت نقش شهید مزاری در تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان توضیح بدهید ممنون می‌شویم؟

”

استاد مزاری یکی از ستارگان  
نهضت مقاومت و مبارزه است از  
سن نوجوانی با علامه سید  
اسماعیل بلخی آشنا می‌شود و در  
جوانی مرید علامه می‌شود و  
بلخی برای استاد مزاری الگو بود.

“



برای تقویت وحدت دروازه بیوت علمای افغانستان را زد و آن‌ها را از انزوا بیرون آورد و در حزب برای شان جایگاه تعریف کرد، شورای عالی نظارت در حزب وحدت جایگاه اول برای علما بود. اما در حق مزاری خیانت‌های داخلی و خارجی صورت گرفت و استخبارات سبب شهادت وی شد.

#### بنیاد اندیشه:

راهکارهای شهید مزاری در جهت عبور از بحران و حل منازعات داخلی و قومی در افغانستان چه بود؟ از نظر شما راهکارهای مطرح شده از سوی شهید مزاری در ۲۳ سال پیش، فعلاً چه مقدار در جهت عبور از بحران و حل منازعات داخلی افغانستان موثر و کارساز است؟

محمد ناطقی: راهکار عمده ایشان برای خروج از بحران، اتحاد همه و اتحاد ملی و اجماع ملی بود، اما به صورت مشخص و واقع بینانه تأکید داشت که مسأله چهار قوم بزرگ باید حل شود و در زمان خودش طرح ائتلاف چهارجانبه را داد، اما دولت اسلامی آن را قبول نداشت و عمده و فعله داخلی ما هم می‌گفتند که مزاری متحد حکمتیار است و می‌خواهد وی را که شکست خورده است بیاورد. در حالی که منظور استاد مزاری وحدت اقوام بود کاری که در بن ۲۰۰۱ تمام بحث افغان‌ها و جامعه جهانی مشارکت اقوام، در ساختار

حکومت و اداره موقت بود. حالا هم بحران قومی تبدیل به واقعیت تلخ شده. بحران تذکره در واقع بحران قومی و هویتی است و مشکلات حکومت وحدت ملی حل دشواری‌ها و اختلافات قومی است، اما شهید مزاری در زمان خودش به این معضل اشاره داشت و طرح داد. در آینده هم تنها با عبور از مشکل قومی می‌توانیم مسأله افغانستان را حل نماییم. چهارده قوم که در قانون اساسی ذکر شده دلیلش این است که آن‌ها هستند و واقعیت دارند و باید در هر نظام سیاسی مسأله مشارکت ملی و مشارکت اقوام حل شود.

بنیاد اندیشه: در آخر چه پیامی برای نسل جدید و امروز افغانستان که یک نسل تحصیل کرده و متفاوت از نسل دوران جهاد و دیروز است دارید؟

محمد ناطقی: پیام من سلامتی و موفقیت شما است امید وارم با تحصیل، با درایت، با علم و دانایی نسل‌های آینده ما مسیر تاریخ را به سوی سعادت و رفاه تغییر دهند. تنها نجات ما از خشم و خشونت از تعصب و تصلب دانش و دانایی است. خون خوری و خون آشامی مربوط به مربوط به دوره‌های طفولیت و خامی است. سخت‌گیری و تعصب نشانه خامی است تا جنینی کارت خون آشامی است و ما باید از این مرحله خلاص شویم.

”

راهکار عمده ایشان برای خروج از بحران، اتحاد همه و اتحاد ملی و اجماع ملی بود، اما به صورت مشخص و واقع بینانه تأکید داشت که مسأله چهار قوم بزرگ باید حل شود و در زمان خودش طرح ائتلاف چهارجانبه را داد.

“

